

3789

۲۵۵۲

۱

۱۵۸

ماہی



یا ایاہ السلام
علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



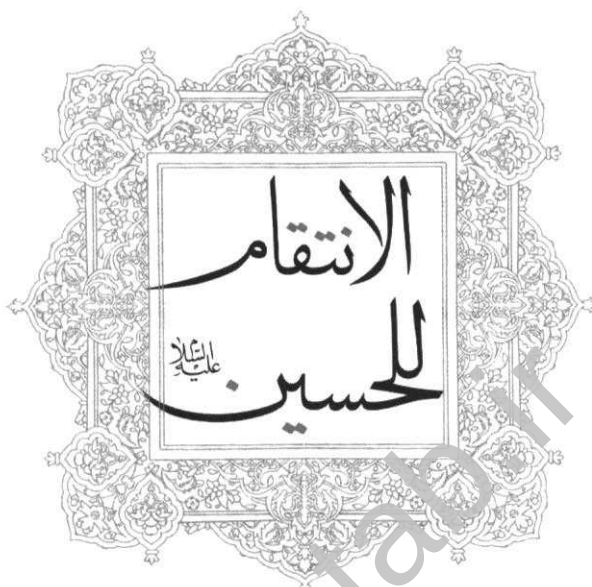
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّيِّدِ الْكَافِي الْحَسَنِ

وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

وَعَلَى أَصْحَابِهِ الْكَافِيينَ



سید محمد حسین میرباقری

مقدمه

تنها راه سعادت بشر، ایمان به خداوند یکتاست. و خداوند برای هدایت به سوی خودش انبیا را فرستاده و ایمان به آنان همان ایمان به خداست. و کسی که از آنان روی برگرداند و اطاعتشان ننماید، از خدا روی گردانده و با او دشمنی کرده است. از روزی که خدا حضرت آدم علیه السلام را خلق فرمود، ابلیس اول کسی بود که امر خدا را اطاعت نکرد و در مقابل او ایستاد و دشمنی نمود. او قسم یاد کرد که تا توان دارد بنی آدم را از راه خدا و عبادت بندگی او که همان راه انبیا است باز می دارد.

﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ * قَالَ فَالْحَقُّ وَالْآخِرُ أَكْبَرُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ابلیس] گفت: به عزّت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص شده ات را. [خدا] گفت: سرگردانم به حق و فقط حق را می گویم، که جهنّم را از نیروی هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد! و لکن او بر کسانی که مؤمن بالله بوده، تحت ولایت الله و ولایت انبیای او و اوصیای ایشان باشند، تسلط نخواهد داشت. ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ قطعاً تو را بر بندگانم تسلطی نیست، مگر بر

گمراهانی که از تو پیروی می کنند^۱.
 ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾
 إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛
 یقیناً او بر کسانی که ایمان آورده اند و همواره بر
 پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد. تسلطش
 فقط بر کسانی است که او را سرپرست و دوست خود
 گرفته اند و بر کسانی است که [به وسیله اغواگری او]
 برای خدا شریک قرار داده اند^۲.

بنابراین دوراه بیشتر وجود ندارد: ولایت خدا و ولایت پیامبر
 و امامان که همان ولایت خداست و ولایت ابلیس، حزب الله و
 حزب شیطان.

﴿وَرَأَيْتُ بَعَثَ فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
 الطَّاغُوتَ﴾ و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم
 که [اعلام کند که] خدا را بپرستید و از [پرستش]
 طاغوت پرهیزید...^۳.

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ
 لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي﴾ هذا صراطٌ مُسْتَقِيمٌ؛
 ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان
 را بپرستید که او بی تردید دشمن آشکاری برای
 شماست؟ و این که مرا بپرستید که این راهی
 است مستقیم^۴.

﴿اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ...﴾

۱. حجر: ۴۲.

۲. نحل: ۹۹-۱۰۰.

۳. نحل: ۳۶.

۴. یس: ۶۰-۶۱.

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ ... (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ ...^۱

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛﴾
هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان و نشان باشند. آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.^۲

تفسیر العیاشی: عن زرارۃ، عن أبی عبد الله: فی قول الله: ﴿وَلَا يَأْتِيكُمُ الدُّوَالُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۳، قَالَ: مَا زَالَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ دَوْلَةً لِلَّهِ وَدَوْلَةً لِلْإِنْسَانِ، فَأَيْنِ دَوْلَةُ اللَّهِ؟ أَمَا هُوَ قَائِمٌ وَاحِدٌ.^۴

ترجمه: امام صادق (علیه السلام) در بیان فرمایش خدای متعال در

۱. بقره: ۲۵۵.

۲. المجادلة: ۲۲.

۳. آل عمران: ۱۴۰.

۴. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۹۹، عنه بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۵۴.

آیه شریفه: «روزگار را بین مردم می چرخانیم، فرمودند: از زمانی که خداوند حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام را خلق کرد، همیشه دو دولت و حکومت بوده است: دولت الله و دولت ابلیس، پس دولت الله (اکنون) کجاست؟ او همان قائم است که یک نفریش نیست (قیام کننده به حق و اقامه کننده حکومت الله است، یعنی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ).

و این امر از روز اول خلقت انسان و حضرت آدم بوده و تا آخر خواهد بود. بالاترین مرتبه آن در رسالت اشرف انبیا خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد، چنانچه با

۱. چنانچه در اخذ میثاق بر توحید و نبوت و ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز روایات فراوان وارد شده است:

كشَفَ الْيَقِينَ... عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا وَلَا يَتَهُ. قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: كَانَ رَبُّكَ عَزَّ وَجَلَّ حَيْثُ أَخَذَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ، وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

ترجمه: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اگر مردم بدانند که چه زمانی علی عَلَيْهِ السَّلَام امیر مؤمنان نامیده شد، حق او را انکار نمی کردند به اسم گفته شد چه زمانی نامیده شد؟ حضرت فرمود زمانی که (آیه اخذ میثاق را قرائت کردند) «... أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...» (اعراف/۱۷۲)؛ پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (فرمود) آیا من پروردگار شما نیستم؟ «...» و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول من و علی عَلَيْهِ السَّلَام امیرالمؤمنین نیست؟ (الیقین: ص ۲۲۲، عنه بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۳۰۶ و درج ۴۰ ص ۷۷ و کتب متعدد دیگر از کتاب فردوس ابن شیرویه دیلمی از علمای اهل سنت از حدیفه با تفاوت مختصر در بعضی عبارات نقل کرده).

رحلت ایشان هم تمام نشده است. از سویی، خدا و رسول است که همان ایمان به اوصیاء ایشان و امامان منصوب از جانب خدا به عنوان جانشینان آن حضرت می‌باشد، یعنی حضرت امیرالمؤمنین و یازده فرزند ایشان: حسن بن علی، و حسین بن علی، و علی بن حسین و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و حجة بن الحسن المهدی علیه السلام، و از سویی دیگر آنانی که در مقابل انبیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادند و ولایت و امامت ایشان را انکار کرده حقشان را غصب کردند و خود به جای آنان نشستند و هر چه در توان داشتند به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ممت کردند. این جریان پس از رحلت پیامبر شروع و تا زمان ظهور حضرت مهدی ادامه دارد. خدای متعال به وسیله آن حضرت از اعداء الله که همان اعداء الرسول و اعداء اهل بیت ایشانند، انتقام خواهد گرفت، و دین حق را در سرتاسر گیتی خواهد گسترده.^۱

۱. معانی الأخبار: ... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّا آلُ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ، قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ، قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَقَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَمِّي بَنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَقَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنَ بَنَ عَلِيٍّ عليه السلام، وَالسُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ عليه السلام عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ).

ترجمه: امام صادق عليه السلام فرمودند: ما و آل ابی سفیان دو اهل بیت هستیم که در مورد خدا با هم دشمنی می‌کنیم. ما گفتیم خدا راست می‌گوید و آنها می‌گویند خدا دروغ می‌گوید، و ابی سفیان با پیامبر جنگید و معاویه با امیرالمؤمنین عليه السلام قتال کرد و یزید با امام حسین و سفیانی به جنگ قائم خواهد رفت. (معانی الأخبار: ص ۳۴۶، عنه بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۰).

عیون أخبار الرضا عليه السلام: عن الرضا، عن آبائه عليهم السلام، قال: قَالَ رَسُولُ

پیامبر خدا ﷺ از روز اول بعثت تا روزی که از دنیا رفتند هر موقعیتی که پیش می آمد اهل بیت خود را به عنوان جانشانیان خود و منکران ولایت و دشمنان ایشان را به عنوان دشمنان خود معرفی فرموده و مکرراً به مردم خبر می دادند که اهل بیت ایشان مورد ظلم و ستم واقع خواهد شد و بر مصائب آنها می گریستند و می فرمودند خدای متعال از دشمنان ایشان به دست مهدی و قائم اهل بیت ﷺ انتقام خواهد گرفت. و از آنجا که اوج این مصیبت در مصیبت شدید و بی نظیر امام حسین ﷺ بود که تمام مصیبت ها در کنار آن کوچک می باشد، بعلاوه به گونه ای مظلومیت آن بزرگوار و جنایت دشمنان اهل بیت آشکار بود که بدون هیچ تبه ای می شد آن را بیان کرد، پیامبر خدا ﷺ وائمه هدی ﷺ از آن مصیبت بیشتیاد می کردند و محزون بوده و می گریستند و دیگران را بر عزاداری بر آن حضرت ترغیب می کردند و بشارت به انتقام برای آن حضرت توسط حضرت مهدی ﷺ می دادند.

بنا بر این شهادت حضرت امام حسین ﷺ به یک واقعه

اللّٰهُ ﷻ: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ (و الحديث طويل) ... فَنُودِيتُ: يَا مُحَمَّدٌ ... وَلَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي ... حَتَّى يُبْلِغَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ، وَلَأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ترجمه: پیامبر خدا فرمودند: در معراج ندا آمد: ... یا محمد، به آخرین ایشان (دوازده امام) زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد ... تا دعوت من را علنی کند، مردم را بر اعتقاد به وحدانیت من گرد آورد، سپس حکومتش را دائمی کنم و ایام روزگار را در بین اولیاء و دوستانم تا روز قیامت دست به دست کنم. (عیون أخبار الرضا ﷺ: ج ۱ ص ۲۶۴، عنه بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۳۳۷).

در کربلا و این که جمعی به دستور یزید بن معاویه آن حضرت را شهید کردند و... منحصر نیست، بلکه ادامه جریان ولایت خدا و رسول خدا و عداوت دشمنان آن حضرت و اهل بیت گرامیشان می باشد. و حضرت مهدی در ادامه همین جریان قیام خواهد کرد و هر کس نبوی و علوی و حسینی است در رکاب ایشان و هر کس دل به دیگران سپرده در مقابل ایشان و جبهه حق خواهد بود. و خداوند فرموده به او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت. در کتاب حاضر بتفصیل احادیث وارد شده در این زمینه می پردازیم.